



<p>محل الصاق عکس</p>	<p>گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی</p>						
<p>11/30 / 1400</p>	<p>تاریخ دفاع:</p>	<p>دکتری</p>	<p>مقطع تحصیلی:</p>	<p>حقوق - فقه و حقوق جزا</p>	<p>رشته تحصیلی:</p>	<p>نرگس ایزدی</p>	<p>نام و نام خانوادگی دانشجو:</p>
<p>دکترسید ابوالقاسم نقیبی ، دکتر سودابه رضوانی و دکتر اعظم مهدوی پور</p>		<p>نام اساتید داور</p>		<p>دکتر محمود عباسی</p>	<p>نام استاد مشاور:</p>	<p>دکتر غلامحسین الهام و دکتر مجید قورچی بیگی</p>	<p>نام اساتید راهنما:</p>
<p>بررسی فقهی - حقوقی سیاست جنایی واکنشی جمهوری اسلامی ایران در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار</p>							<p>عنوان رساله:</p>
<p>آشفته‌گی سیاست جنایی واکنشی در حیطه حقوق جزایی اطفال و نوجوانان حکایت از فقدان حاکمیت « نظریه سیستمی » بر این حیطه دارد و سوال اصلی پژوهش حاضر را مطرح می نماید. پاسخ به این پرسش ، نیازمند پژوهش ترکیبی و به کارگیری روش گردآوری داده های کمی و کیفی به صورت توأمان است ، که در این رساله به کار گرفته شده است . توجه قانونگذار به اقدامات تأمینی نسبت به اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، رویکرد رو به رشد عدالت محوری را نشان می دهد که علی رغم وجوه مثبت، ابهامات و ایرادات قابل ملاحظه ای نیز دارد؛ لیکن به نظر می رسد در رأس چالش های موجود و به عبارتی حلقه مفقوده اصلی در این مسئله ، « نبود نظام واحد حاکم بر سیاست جنایی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان » است و این امر نشانگر فقدان « تفکرسیستمی » بر سیاست جنایی واکنشی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان است و به نظر می رسد که بزرگترین معضل حوزه جزایی این طیف آسیب پذیر نیز همین مسأله باشد.</p>							<p>بیان مسئله:</p>
<p>پژوهش حاضر ترکیبی و روش گردآوری داده ها « آمیخته » است. این پژوهش بر اساس هدف ، « بنیادی - کاربردی » و بر اساس روش، به تناسب ماهیت پژوهش حاضر، در فصل های نخست و دوم « توصیفی - تحلیلی » و در فصل های سوم و چهارم « توصیفی - پیمایشی » می باشد .</p>							<p>روش پژوهش:</p>
<p>پرسش نخست : رویکرد تقنینی ج. ا. ا. در واکنش نسبت به نوجوانان بزهکار (باتوجه به دوگانگی مواضع قانونگذار در ق.م.ا. و ق.آ.د.ک.)، تنبیهی و سرکوب گرایانه است یا رویکرد اصلاحی و تربیتی ؟ الگو و مدل مطلوب و سازگار با مبانی و زیرساخت های قانونی قابل ارائه در سیاست جنایی ایران چیست؟ پرسش دوم : انطباق و همسویی آن با مبانی تربیتی و قواعد و اصول فقهی - حقوقی تا چه میزان است؟ فرضیه نخست - فقدان نظام واحد حاکم بر سیاست جنایی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان موجب شده است تا قانونگذار و سیاست جنایی ایران در مواجهه با جرایم اطفال و نوجوانان علی رغم صحه گذاشتن بر لزوم دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان موضع گیری شفاف، روشن و یکنواخت نداشته باشد . فرضیه دوم - عدم تجانس در قانونگذاری و فقدان موضع یکنواخت سیاست جنایی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان، به دلیل عدم مشخص بودن مبانی و اصول سیاست گذاری جنایی در حقوق اطفال و نوجوانان می باشد. این اصول (از جمله اصل مصلحت که در کنوانسیون حقوق کودک نیز آمده و دیگر اصول و قواعد چون اصل کرامت) از قواعد فقه و مبانی اسلامی قابل تحصیل بوده و لازم است به عنوان زیر ساخت های حقوق اطفال و نوجوانان در کلیه قوانین و مقررات مورد توجه قرار گرفته و به عنوان رکن و اساس قانون گذاری لحاظ گردند.</p>							<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>

<p>روند پژوهش:</p>	<p>رساله حاضر، در وهله ی نخست با «بررسی وضعیت موجود» سیاست جنایی واکنشی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان ناقض قوانین جزایی، در پی واکاوی نقاط ضعف، خلأها و چالش ها ی حاضر برآمده و سپس در گام دوم، به منظور وصول به «وضعیت مطلوب»، با ملاک قرار دادن مبانی اسلامی و دکترین حقوقی، انطباق و مغایرت وضعیت موجود با این دو مقوله را نقادانه مورد بررسی قرار داده است. در بعد کیفی رساله، استخراج و تحلیل داده ها ، از طریق تکمیل پرسشنامه طیف لیکرت پنج گزینه ای و مصاحبه با ارسال سؤالات باز پاسخ به صاحب نظران حقوقی، انجام و تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس هر دو روش تحلیل کیفی و کمی با استفاده از نرم افزار (Spss) و (Excel) صورت گرفت.</p>
<p>مهمترین یافته ها:</p>	<p>یافته ها ی این پژوهش حکایت از فقدان میزان بازدارندگی لازم قوانین و مقررات جزایی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار داشته؛ وجود پارادایم های فکری نامتجانس با موضوع در قانون ، محدودیت اختیارات قاضی در انتخاب مجازات متناسب و عادلانه ، فقدان ساختار منسجم و ضمانت اجرایی کافی و مناسب قوانین و مقررات جزایی را مطرح می نماید. همچنین مجموع مواضع متشتت قانونگذار، حاکی از فاصله معنادار «وضعیت موجود» با «وضعیت مطلوب» است.</p>

تأیید استاد راهنما

